

نویسنده: م.ک. بهادر اکمار (M.K.Bhadrakumar).
منبع و تاریخ نشر: اندیا پانچیلا «2025-04-27».
برگردان: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل».

د ییلما سی ترامپ مورد توجه قرار گرفته و بدبینان را ساکت کرده است

*Trump's diplomacy gains traction,
silences sceptics*



دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا (چپ)، در حاشیه مراسم تشییع جنازه پاپ فرانسیس، واتیکان،
۲۶ آوریل ۲۰۲۵، به طور خصوصی با ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین، در کلیسای
سنت پیتر دیدار کرد

دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، یک تکاور تنها در عرصه بین المللی است و یک تمرین کننده اعتراف به این اصل مطلق نخست وزیر نارندرا مودی است که می گوید عصر ما عصر جنگ نیست، صرف نظر از "casus belli". او معیار بالایی را برای خود تعیین می کند و خود را برای حمله از سوی عقیده سازان جنگ طلب در داخل باز می کند، اگرچه یک ملی گرای سرسخت است که منافع آمریکا را بدون توجه به مشروعیت آنها در اولویت قرار می دهد.

وزرای کا بینه ترامپ لزوماً به نتیجه نهایی او نمی پردازند، هما نظور که اظهارات سرسختانه و مداخله جویانه **تولسی گابارد**، مدیر اطلاعات ملی آمریکا، در مورد تنش های آبشاری در روابط هند و پاکستان نشان می دهد.

نکته خیره کننده در مورد طرز فکر ترامپ این است که او نیز مردی معتقد است. خیلی ها نمی دانند یا ترجیح می دهند به یاد بیاورند که این شخص خارق العاده، ده ها سال قبل از اینکه واقعاً وارد سیاست آمریکا شود و کلاه خود را روی حلقه ریاست جمهوری پرت کند، مبلغی 98000 دلاری از جیب خود (تاجر) به نیویورک تایمز پرداخت کرد تا مکمل یک صفحه ای را در سپیده دم غم انگیز ریاست جمهوری به نمایش بگذارد. تنش زدایی با اتحاد جماهیر شوروی انجام داد و خدمات خود را به عنوان فرستاده ویژه ای که به این وظیفه اختصاص داده بود ارائه کرد.

ممکن است سیاستمداران سرگردان افکار نجیبا نه را تجلیل کنند، اما زمانی که زمان بحران فرا می رسد، آنها را عملی نمی کنند. برعکس، اعتقادات قوی تأثیر چند برابری بر اقدامات ترامپ دارد، که این چیزی است که دیپلماسی او را تا کنون متمایز می کند. تصویر رودر رویی او با **ولودیمیر زلنسکی**، رئیس جمهور اوکراین در روز شنبه در واتیکان، برای مدت طولانی در خاطره ها باقی خواهد ماند.

در شرایط پر هرج و مرج بین المللی امروز، در حالی که نظم جهانی در حال گذار از یک دوره عصری - تقریباً پنج قرن سلطه غرب - به دورانی دیگر است که هنوز هم بی پیوسته است، این وسوسه همیشه برای ایالات متحده وجود دارد که تا حد زیادی بزرگترین قدرت نظامی روی کره زمین است تا از قدرت و ابزارهای قهری خود استفاده کند تا راه خود را در پیش بگیرد. در واقع، جهانی گرایی و ایدئولوژی نئومحافظه کاری مداخله گرایی هنوز هم جریان اصلی در جریان آگاهی نخبگان آمریکایی، غیرنظامی و نظامی است و یک اجماع دو حزبی نیز هست. **تولسی گابارد** نیز از این قاعده مستثنی نیست. روزنامه های امروز گزارش کرده اند که یکی دیگر از نومحافظه کاران معروف در جنوب آسیا به عنوان متخصص قدیمی در منطقه جنوب آسیا، کریستین فیر، همان گروه کر «دست آزاد به هند» را تکرار کرده است - و برخلاف گابارد، او در واقع کار گسترده ای روی منطقه انجام داده است و به بینش هایی درباره استفاده پاکستان از تروریست ها به عنوان سیاست دولتی اعتبار داده است. فیر در X نوشته شده است: "این پیام درستی است که حتی اگر تصادفی ارسال شود. چرا ایالات متحده باید با تلاش برای مهار هند، پاکستان را نجات دهد؟ هند باید درسی به پاکستان بدهد."

کافی است بگوییم، در هر سه عامل اصلی وضعیت بین‌المللی کنونی، ترامپ غرایز طبیعی ایالات متحده برای استفاده از زور را مهار می‌کند - بحران اوکراین، وضعیت اطراف ایران و هند و اقیانوس آرام که به روابط ایالات متحده و چین بستگی دارد. و این در حال حاضر اثر آرام بخشی بر امنیت بین‌المللی دارد.

به خاطر عقب نشینی ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه از اسب بلندی که در 14 ژوئن سال گذشته در سخنرانی مهم خود در وزارت خارجه در مسکو، در سخنرانی مهم خود در وزارت امور خارجه در مسکو، در آنجا شرايطی را برای آغاز گفتگو با اوکراین مطرح کرد، که به طرز شگفت انگیزی شامل عقب نشینی خلاصه نیروهای اوکراینی از سرزمین‌هایی بود که هنوز در دونتسک، خرسون و منطقه جنوب کشورشان در منطقه زاپوری در اختیار داشتند، کاملاً به ترامپ تعلق می‌گیرد!

البته **پوتین** یک عمل گرا است، اما اگر جرأت می‌کرد تا امتیازاتی بدهد، در منظره حیرت‌انگیز قدرت هوشمندی است که ترامپ به کار گرفت تا موضع گستاخانه **زلنسکی** را با نگه داشتن در مقابل زلنسکی برای نوشیدن جرعه‌ای از جام زهر با پذیرش اینکه کریمه بخشی جدایی‌ناپذیر از روسیه است، کمرنگ کند!

از سوی دیگر، ترامپ طرح خرگوش‌آمیز نخست‌وزیر بریتانیا، کایر استارمر و امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه را برای ایجاد «ائتلافی از میلان» برای استقرار در اوکراین به عنوان سنگری در برابر روسیه پراکنده کرده است. از نظر سیاسی، ترامپ در یک قدمی مقاومت اروپا در برابر طرح‌های صلح خود برای اوکراین را درهم شکست و رهبری ایالات متحده را بر عهده گرفت.

مهم‌تر از همه، ترامپ **زلنسکی** (و حامیان اروپایی‌اش) را مجبور کرد که نوشته‌های روی دیوار را ببینند که انتخاب بین سفر در مسیری است که از طریق مذاکرات صلح باز می‌کند یا دعوت از الحاق کشورش به روسیه. و در کل این شرکت، هیچ رگباری از سوی پنتاگون شلیک نشد.

وقتی صحبت از موضوع هسته‌ای ایران و چین می‌شود، ترامپ اساساً همین رویکرد را در پیش گرفته است. اگرچه در مورد ایران، رونق لفاظی‌های با صدای بلند همچنان ادامه دارد - که ایران معمولاً آن را به عنوان یک توهین‌آمیز نادیده می‌گیرد - همه گزارش‌ها حاکی از آن است که مذاکرات کشش پیدا کرده است.

این موضوع در اظهارات عباس عراقچی وزیر امور خارجه ایران پس از سومین دور مذاکرات با استیو ویتکاف، نماینده ویژه آمریکا در مسقط در روز شنبه منعکس شده است. عراقچی گفت: از پیشرفت مذاکرات و سرعت آن راضی هستیم و به خوبی پیش می‌رود و

رضایت بخش باقی می ماند. نکته مهم این است که وی در این باره گفت: کاملاً مشهود بود که دو طرف جدی بودند و با قاطعیت وارد مذاکرات شدند.

کارشناسان هسته ای از دو طرف و آژانس بین المللی انرژی اتمی احتمالاً در دور بعدی مذاکرات حضور خواهند داشت. عراقچی اذعان داشت: برخی اختلافات "بسیار جدی" و برخی اختلافات نه چندان جدی دیگر همچنان وجود دارد، اما نکته اینجاست که تجربیات گذشته به ما کمک می کند تا پیشرفت خود را آسان تر و سریع تر کنیم، اما معتقدم تا کنون پیشرفت ما خوب بوده است.

به همین ترتیب، ایالات متحده و چین به سمت میز مذاکره حرکت می کنند. پارادوکس این است که بن بست چشمگیر در مورد تعرفه ها به دو طرف کمک کرد تا به ورطه نگاه کنند و متوجه شوند که آنچه را که می بینند دوست ندارند. ترامپ پذیرفته است که تعرفه های بالا به نفع هیچ یک از طرفین نیست و اطمینان حاصل کرده است که یک توافق متعادل در محدوده احتمالی است. در همین حال، به ویژه، از زمان بازگشت ترامپ به دفتر بیضی شکل، هیچ نمایش جنگ طلبانه ای مبنی بر ادعای «آزادی دریانوردی» در آب های اطراف تایوان توسط نیروی دریایی ایالات متحده وجود نداشته است.

در هر سه مورد - اوکراین، ایران و چین - ترامپ همچنین به دنبال ایجاد فرصت های تجاری برای اقتصاد ایالات متحده است. در واقع، روسیه و ایران قبلاً در بالاترین سطح رهبری علاقه و آمادگی خود را برای توسعه مشارکت های اقتصادی سودمند دوجانبه با ایالات متحده ابراز کرده اند، در صورتی که روابط عادی شود. در واقع، **چین** هم نمی تواند خیلی عقب بماند، وقتی گرد و غبار فروکش کرد.

عمیق ترین نتیجه ادیسه دیپلماتیک ترامپ می تواند تاثیر آن بر وضعیت جهانی باشد. در حالی که صحبت از "اثر پروانه ای" خیلی زود است، اما در نهایت می توان انتظار چنین پدیده ای را داشت.

مسلماً مداخله ترامپ باید خوشایند باشد. هنگامی که قهرمانان آشکا را قادر به حل و فصل اختلافات خود نیستند و تنش های ناشی از آن امنیت بین المللی را تهدید می کند، نباید غرور کاذبی نسبت به میانجیگری شخص ثالث وجود داشته باشد.

اگر پوتین بتواند منطقی بودن میانجیگری ترامپ را ببیند، آیا مودی می تواند خیلی عقب بماند؟ در قرن بیست و یکم، تلاش برای تحمیل راه حل های یک جانبه غیرواقعی است. برعکس، اگر «ابر قدرت تنها» و «قدرت تمدنی» باستانی بتوانند فروتنی را برای میانجیگری کشور کوچکی مانند عمان نشان دهند، تنها بر اعتماد به نفس و ترتیب اولویت های ملی آنها تأکید می کند.

مذاکرات بر سر موضوع هسته ای اوکراین و ایران گواه درستی پیشگویی مودی است که دوران ما دوران جنگ نیست. به همین ترتیب، نتیجه طبیعی آن این است که راه حل ها نمی توانند به طور یک جانبه توسط دولت های ملت در نظم جهانی نوظهور در قرن بیست و یکم تحمیل شوند. این را به اشتراک بگذاری

----- **باتقدیم احترامات «2025-05-17»**

